

نگاه جنسیتی محض به زنان و پیامدهای آن

نوشته: فرید «غالب»



19 جنوری 2016

جنسیت یکی از سازه های طبیعی هویت، نه تنها در انسانها بل در تمام مخلوقات زمینی انگاشته میشود. این مؤلفه هویت، نظیر سایر مؤلفه ها (دین، مذهب، زبان، قوم، نژاد، اندیشه سیاسی...) در طول حیات انسان شکل نمیگیرد، بلکه قبل از تولد انسان در رحم مادر شکل گرفته و کاملاً اجباری میباشد. موضوع آفرینش انسانها با جنسیت خاص، از جمله مسایل جبر اجتماعی (Social Determinism) است. بنابر این احدی را نمیتوان به سرنوشتی که در آن هیچ گونه اراده ی ندارد ملامت کرد.

هدف نبشته هذا اینست تا علل و عوامل نگاه های جنسیتی به زنان بدون شناختن هیچگونه شخصیت مجزا از جنسیت به آنها شناسایی و منابعی که این نگاه ها را تغذیه و فربه میسازند، معرفی و پیامدهای منفی این چالش اجتماعی را بیان نمایم تا توانسته باشم سهم اندک خویش را در کاهش این معضل بزرگ که دامن گیر زنان سرزمینم است، ادا نمایم.

دلیل نگاه جنسیتی بر میگردد به طبیعت و خلقت انسان و اینگونه نگاه را مرد به زن و زن به مرد به مقتضی فطرت خویش دارند و نمیتوان آنرا از بین برد و از بین بردن آن به نفع بشریت هم نیست، چون این گرایش درونی انسانهاست و در

صورت از بین بردن آن ممکن است گرایش‌ها را دیگر در انسان ایجاد شود. پس این گرایش و نگرش نمیتواند به عنوان چالش مطرح گردد. اما مشکل زمانی خلق میشود که این نگاه‌ها مانع شناخت هرگونه شخصیت و جایگاهی به زنان شود. جنسیت هویت غیر قابل انکار است اما در کنار آن، زن از جایگاه و موقف خاص اجتماعی مانند مردان برخوردار است. اگر زنی رییس یک اداره است، اگر زنی همکار ما در یک نهاد است، اگر دختر خانمی هم صنفی ما است و یا اگر زنی تاجر است. باید با نگاه رییس، همکار، هم صنفی و تاجر به آنها نگریست، نه همان نگاه‌های غرض‌آلود و آزمندانه جنسیتی. همچنان نباید شخصیت زن با وابستگی به مردی تعریف شود. مثلاً مادر فلانی، همسر فلانی، خواهر فلانی، دختر فلانی و این مشکل در جامعه ما خیلی مشهود است. زن به تبع یک مرد مورد احترام قرار میگیرد نه به لحاظ شخصیتی که خود زن دارد.

ریشه‌های فرجه‌کننده‌ی نگاه جنسیتی محض به زنان:

1- فرهنگی- تاریخی: اولین نهاد اجتماعی که تاریخ به یاد دارد، خانواده است و رییس آن یک مرد بود و است. خانواده یک نهاد طبیعی پنداشته میشود و به همین شکل ریاست مرد در آن. این باعث شده تا جامعه مردسالار بوجود آید و تمام قدرت اجتماعی و صلاحیت تصمیم‌گیری در انحصار مردان باشد. قدرت مرد سبب شده تا مردان زنان را ابزاری برای آسایش و لذت جویی خویش بشمارند و هرگونه استفاده‌ی نامعقول، بدون خواست و اراده ایشان از آنان بنمایند. قسمی که تاریخ روایت میکند؛ سلاطین دختران جوان و صاحب جمال را در دربار خویش استخدام میکردند و از آنها منحیث و وسایل خوش‌گذرانی و عیاشی استفاده می‌کردند و «سیاه‌سر» خطاب‌شان مینمودند که امروز نیز با تغییر مفهوم خطاب مینمایند. همچنان دانشمندان و شعرا عصر از آن ساختار اجتماعی مردسالارانه پشتمانی و اینگونه نگرش به زن، در آثار آنان بازتاب یافته و جزء مفاهیم ادبیات شد که باعث تدوام جامعه مردسالار گردیده است. هرچند امروز هم جامعه ما جامعه مردسالار است و تصمیم‌گیرنده اصلی هنوز

مرد است اما نظر به گذشته تفاوت چشم گیری در بینش و طرز رفتار با زنان بوجود آمده است و امتیاز ایجاد این تغییرات به مبارزات و قربانی های زنان معطوف است، نه در اثر بخشندگی و ترحم مردان بدست آمده.

2- فناوری های جدید: هرچند هر اختراعی ذاتاً خنثی است اما نحوه ی استفاده ما از آن، به آن چهره ی منفی و مثبت میبخشد. هر آن پدیده ی که در دنیا موجود است، به هدف نفع رساندن به انسان خلق و اختراع شده؛ ولی این ما هستیم که آن را به زیان خویش و انسانهای دیگر تمام میکنیم. فناوری های جدید انسانی با تمام خوبی ها و مثریتی که به جامعه بشری دارند، برخی تبعات را نیز در پی داشته اند. از جمله ساختن فلم های مبتذل و نشر آن از طریق رسانه های تصویری و شبکه های اجتماعی و همچنان نمایش زن در آنها به حیث کالا. این باعث شده تا نگاه های شهوانی به زن تقویه گردد و آسیبهای روانی شدیدی به هر دو جنس وارد نماید. از جانب دیگر اطفال و نوجوانان که در مرحله ناپختگی قرار دارند و اینها کسانی هستند که رفتارها، باورها و نگرشهای امروزی شان، فرهنگ فردای یک جامعه را شکل میدهد؛ با همان نگاه های جنسیتی به زن پرورش می یابند و این موضوع خیلی نگران کننده است.

3- باور جنسیتی محض زن به خویشتن: بدلیل اینکه باور جنسیتی محض به زنان در جامعه ما از پس منظر دیرینه برخوردار است؛ بسیاری از زنان، بخصوص زنان روستا نشین خود به این باور اند که فلسفه وجودی شان تمتع جنسی و در خدمت مرد بودن است. این باور به آسیاب نگاه جنسیتی محض به زنان آب میریزد و در ضمن این فرهنگ ناپسند را بارور میسازد.

4- زنان پاداشت مردان بهشتی: دین یگانه مرجع مطمین و مجریان آن با اعتبارترین اشخاص نزد مردم اند. یادآوری مکرر ایشان از زنان به عنوان حوران بهشتی و پاداشتی برای مردان نیکوکار و رستگار، این نگاه ها را قوت میبخشد. چون هیچ کسی در این جهان تجربه ی دیدن و لذت بودن با حوران

بهشتی را ندارد. بناً تصویری که در ذهن مردان مجسم میشود، از زنان این جهان است.

5- پوشش های نامناسب: ممکن برخی ها نحوه ی پوشش و صحبت کردن از آن را به عنوان محدود کردن آزادی زنان قلمداد کنند اما نمیتوان از این مؤلفه به عنوان تحریک کننده ی نگاه جنسیتی به زنان انکار کرد. دیدگاه غالب که در جامعه ما میان مردان وجود دارد اینست که، زنانی که با پوشش های نامناسب ظاهر میشوند، معمولاً زنان شایسته ای نیستند. نحوه ی پوشش سرشت خبیثه در مردان را بیدار میکنند و نهایتاً منتج به آزار و اذیت زنان در خیابان ها میشود. این مشکل شاید در جوامع دیگر محسوس نباشد ولی درک که من از جامعه خویش دارم نمیتوان از آن به عنوان عنصر مشکلزایا به زنان انکار کرد.

پیامدهای نگاه جنسیتی محض به زنان:

1- **بی اعتمادی همگانی:** مهمترین پیامد منفی اینگونه نگاه؛ بی اعتمادی همگانی در اجتماع است. هر مردی که با این نگاه مجهز باشد، فرضش بر این خواهد بود که تمام مردان نگرش مشابه را دارند و چون اکثریت قریب به اتفاق مردان جامعه ما با چنین نگاه به زن مینگرند، همگان به یکدیگر به دیده ی تردید نگریسته و بالای همدیگر بی اعتماد اند. پیمایش و نظر سنجی نشان میدهد که زنان در تمام سطوح (خرد، میانه، کلان) از کمترین اعتماد اجتماعی برخوردار اند. حتی میزان اعتماد خانوادگی را نیز این مشکل، کاهش داده است.

2- **کاهش مشارکت زنان:** چون در جامعه ما صلاحیت زن بدست مرد است و هنگامیکه مرد بالای اجتماع بی اعتماد باشد، مانع مشارکت زنان در تمام فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و همچنین ادامه تحصیل

میگردد. بناً این مشکل را میتوان به عنوان یکی از موانع عمده ی مشارکت زنان در تمام عرصه ها برشمرد.

3- **آزار و اذیت جنسی:** یکی از مشکلاتی که زنان کشور ما با آن دچار اند، آزار و اذیت به دلیل جنسیت است. آزار و اذیت نه تنها در خیابان ها توسط افراد ولگرد صورت میگیرد بلکه در دانشگاه ها، مراکز آموزشی، محل کار و شفاخانه ها نیز صورت میگیرد. اشخاصی که باعث آزار و اذیت جنسی زنان میشوند نیز محدود به افراد بیسواد و ولگرد نیستند. بلکه دانشجویان، هم کاران، اساتید دانشگاه ها، رؤسای ادارات و ملاها نیز شامل اذیت کنندگان جنسی زنان اند. در دانشگاه ها اساتید با ناکام گذاشتن و یا وعده به کامیابی یا نمره بلند باعث آزار و اذیت دخترها شده اند که شاهد قضایای مختلف ازین قبیل هستیم. همچنین رؤسای ادارات از طریق وعده به استخدام یا افزایش معاش باعث آزار و اذیت زنان میشوند. خلص هیچ پناه گاه امنی برای زنان و دختران سرزمین ما باقی نمانده و یگانه دلیل و سرنخ آن را میتوان همین نگاه های جنسیتی دانست.

4- **تحقیر جنسی:** محدود کردن خلقت زنان به تمتع و لذت جنسی، در واقع یک نوع تحقیر و خُرد پنداشتن است. در حالی که در آموزه های دینی مان هم ملاک برتری و رستگاری تقوا و پرهیزگاری است، نه جنسیت و یا ملاحظات دیگر. نگاه جنسیتی به زنان موجب خود کم بینی و بی باوری به خویشتن در زنان شده و این باعث میشود تا زنان دچار رعب و ترس نسبت به اجتماع و محیط باشند و در فعالیت های روزه مره خویش با دلهره عمل نمایند.

تاریخ: 1394/10/25